

**اشترک فطرت مشهور و مستور در تمایل به کمال**

فطرت انسان، خواه مشهور یا مستور و خواه مکشوف یا محجوب، جز بینش جمالِ دیدی دیگر ندارد و غیر از تمایل به کمال، منش دیگر ندارد...



فطرت انسان، خواه مشهور یا مستور و خواه مکشوف یا محجوب، جز بینش جمالِ دیدی دیگر ندارد و غیر از تمایل به کمال، منش دیگر ندارد؛ یعنی فطرت محجوب، همان را می‌طلبد که فطرت مکشوف می‌خواهد؛ لیکن خواستن یکی مشهود است و خواهش دیگری، محجوب و مدسوس و مستور است و هرگز فطرت محجوب، شرّ یا داعی به آن نیست. آری حجاب فطرت و ساتر گوهر انسانیت، به سمت شرّ می‌گردد و فراخوان مقال گناه و مقاتل تباهی است و گردهمایی با اشرار و ابلیسان را در سر می‌پروراند و همایش چالشگران بهیمیت، سبعیت و شیطنت را می‌آراید و سمینار اضلال، اغوا، تمنیه، تزیین، تسویل و دیگر آرمانهای اهریمن بیرون و نفس مسؤله و اماره درون را بزم آرایی می‌کند. بر این اساس، باید میان حاجب و محجوب فرق نهاد، زیرا فطرت هرچند محجوب باشد، باز منادی توحید و مدافع وحی و نبوت و مبلغ معاد و سرانجام، ناشر پرچم اسلام و خطوط کئی و اصیل دین است که ره‌آورد پیام‌آوران الهی است.

تفسیر انسان به انسان، ص 179